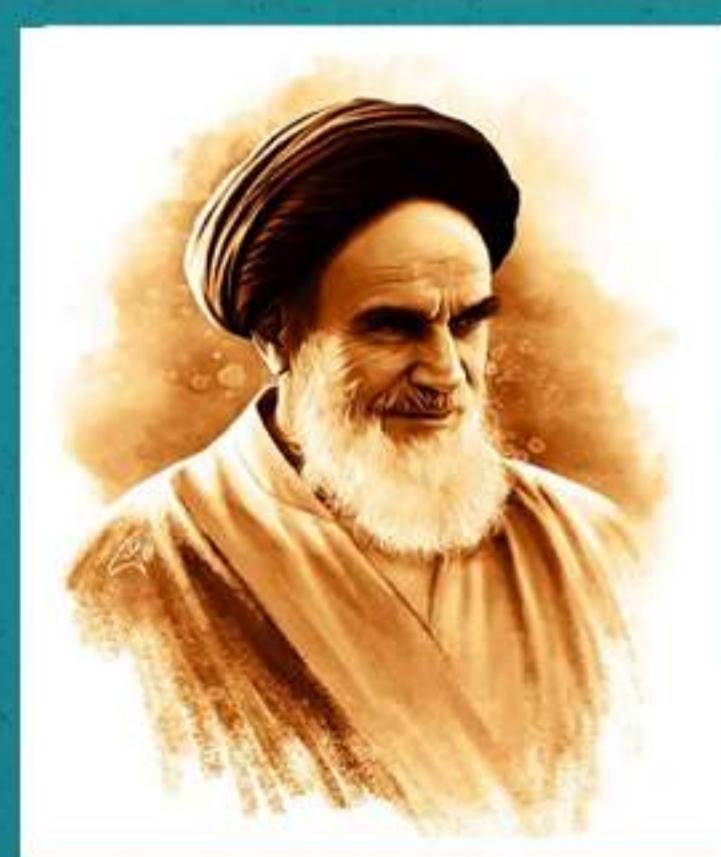




دانش

روح الله

بخشی از سخنرانی امام خمینی (ره)
در ۳۱ فروردین ۱۳۵۸



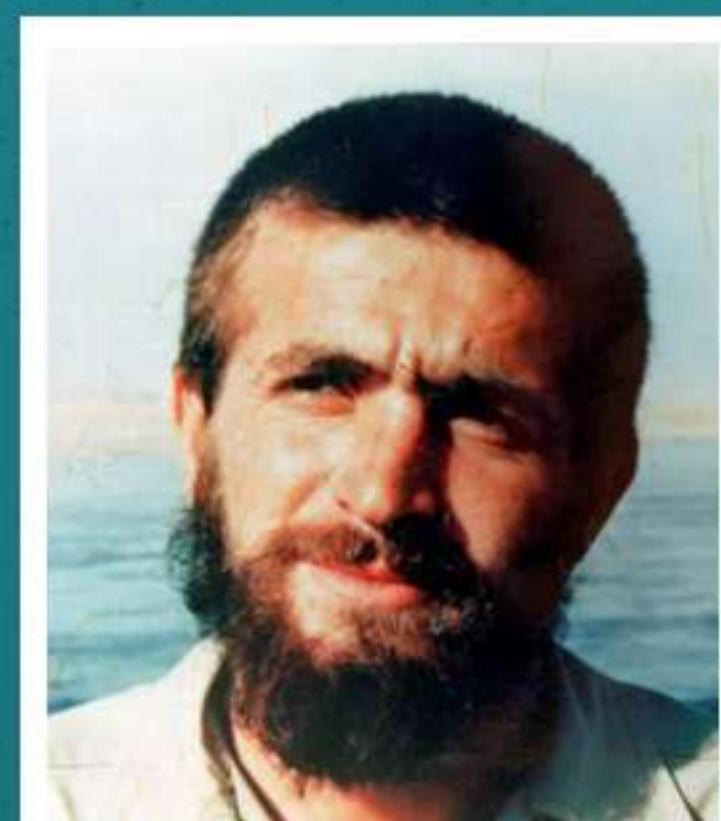
منور

ترتیب آیات جهاد



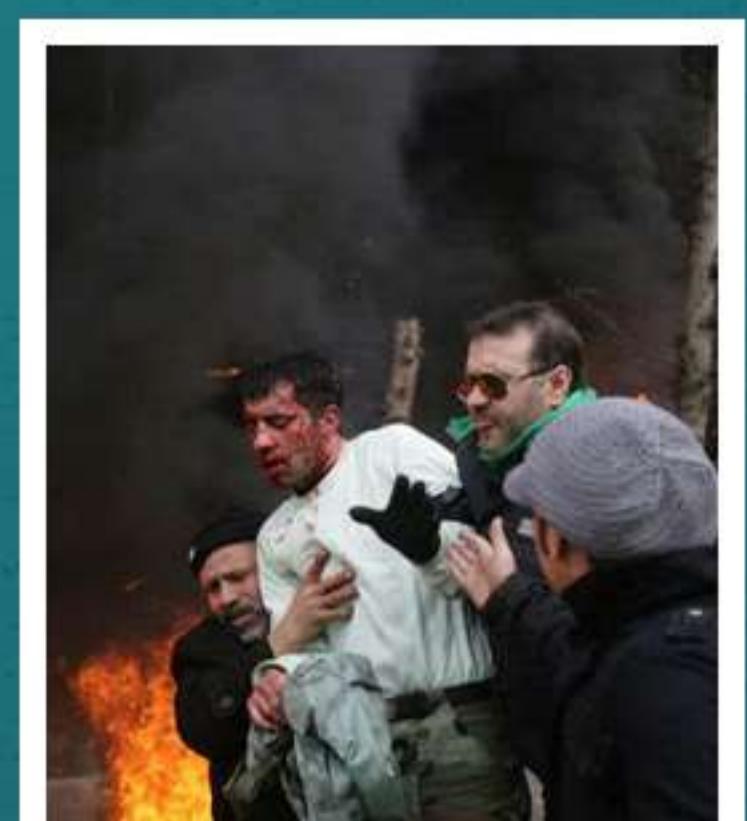
باغ خاطره

خاطره‌ای به روایت محمد خادم، همزمان
شهید چیت سازیان



روایت

روایت یکی از شاهدان عینی درگیری‌های
فتنه‌گران در تهران، خرداد سال ۸۸



سعادت

منور

ترقیب آیات جهاد

طبعی است که نخستین جنگ هایی که در صدر اسلام به دست مسلمانان انجام گرفت جنگ هایی بود که جنبه دفاعی داشت یا مقابله به مثل بود و قصاصی محسوب می شد. از این رو نخستین آیاتی که در مورد جنگ و «جهاد» نازل شده، آیاتی است که جنگ دفاعی و جنگ قصاصی را تجویز و مطرح کرده است.

مسلمانان در آغاز به شدت در اقلیت و ضعف بودند و به همین روی نیز از سوی مشرکان و کفار مورد تهدید و فشار فراوان قرار می گرفتند؛ تا آن جا که مشرکان آنان را از شهر و دیار و خاندان خود بیرون رانده بودند، جان و مالشان دست خوش تجاوز و تعدی مشرکان و کفار قرار می گرفت و شکنجه های جسمی و روحی فراوانی را تحمل می کردند و حتی تعدادی از آن ها زیر شکنجه کفار جان باختند. از این رو همین که مسلمانان امکانات مادی لازم و کافی به دست آوردن و سلاح و سرباز تهیه نمی کردند، در برابر چنین دشمنان متتجاوز، نابکار و تا دندان مسلح خود به دفاع و مقابله به مثل فراخوانده شدند و نخستین آیات جهاد که آنان را به دفاع ترغیب می کرد بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شد. در واقع با نزول این آیات بود که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان اجازه داده شد تا در برابر کفار و مشرکان به دفاع و مقابله به مثل بپردازنند:

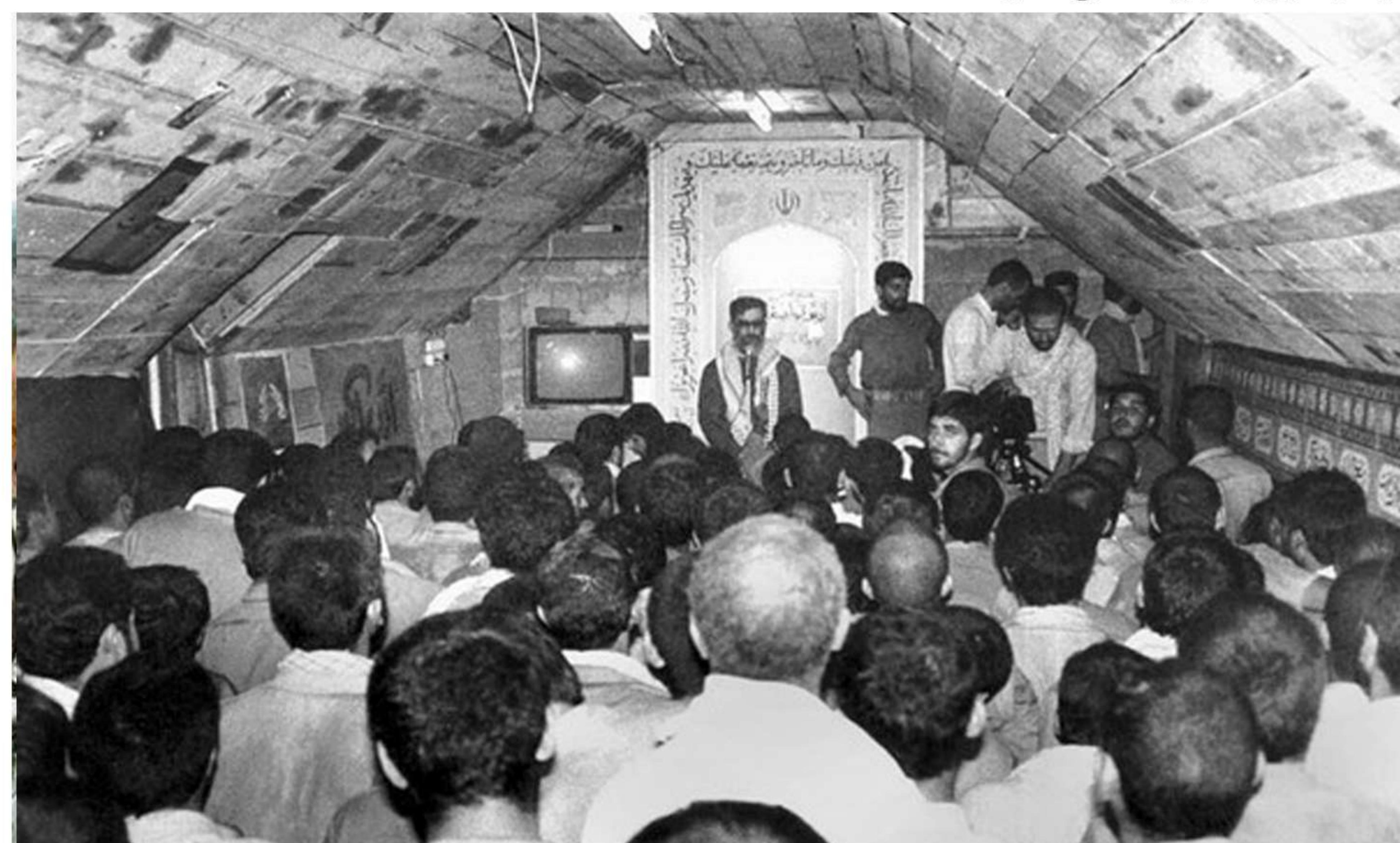
«امام زین العابدین (علیه السلام)»:

**ما من قطرة أحب إلى الله
عزوجل من قطرة دم في**

ریختن هیچ قطره ای نزد خدا محبوب تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود نیست.

روحانی گردان

ما در جنگ، بسیار جانهای عزیز را از دست دادیم و خسارتهای مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم؛ اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکاء به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودبادی ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد. ۱۳۷۹/۰۷/۰۶



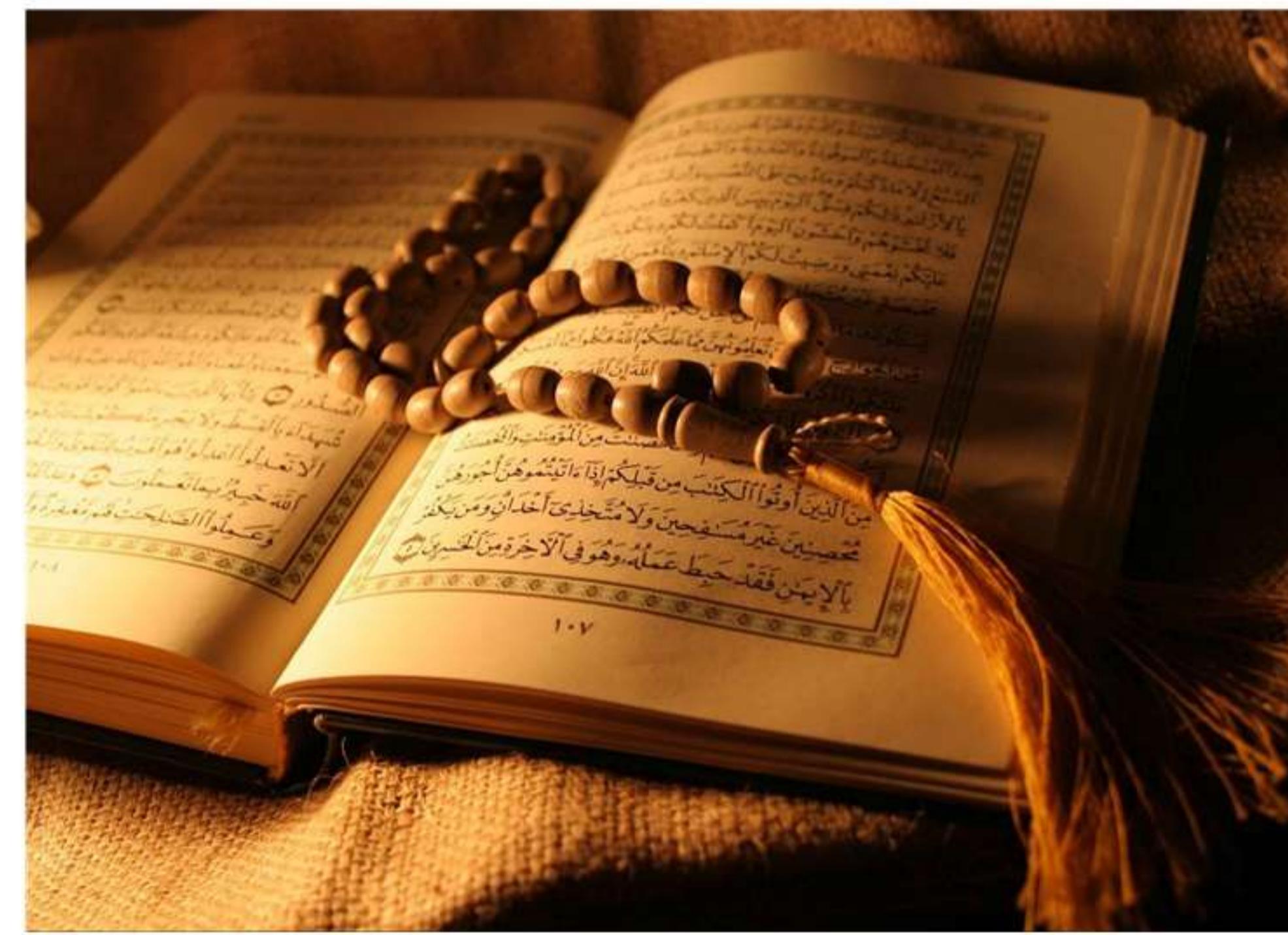
(با این همه) در مسجد الحرام با آنان جنگ مکنید مگر آن که با شما در آن جا به جنگ درآیند، پس اگر با شما جنگیدند آنها را بکشید که کیفر کفرپیشگان چنین است. پس اگر باز ایستادند، البته خداوند بخشندۀ مهربان است. با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای نماند و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر باز ایستادند، تجاوز جز بر ستم کاران روانیست (پس شما هم از جنگ دست بکشید و با آنان از در صلح و آشتی درآید).

شبیه همین مضمون، آیه دیگری از سوره انفعال است که می‌فرماید: **وَ قاتلُوهُمْ حَتّى لا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّهِ فَإِنْ انتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ با كافران بجنگید تا فتنه‌ای نماند و دین تنها مخصوص خدا باشد. پس هر گاه (از جنگ و فتنه) باز ایستادند خدای متعال به آن چه که می‌کنند بینا (و آگاه) است.**

این آیه نیز بیان گراین مطلب است که علت صدور فرمان جنگ از جانب خداوند، فتنه انگیزی کافران است و مدام که این فتنه وجود دارد و حاکمیت الهی به تمامی استقرار نیافته، این جنگ ادامه می‌یابد.



«دفع»، همه و همه، گویای جنگ دفاعی است. مؤید دیگر این که، می‌فرماید، این مسلمانانی که جنگ و تجاوز بر آنان تحمیل شده گناهی نداشتند جز گفتن یک کلمه حق که «پروردگار ما خدا است». بنابراین مسلمانان بدون آن که تقسیری داشته باشند مورد هجوم و ستم مضاعف مشرکان و کفار قرار گرفته بودند، و خداوند نیز در این آیات از سوره بقره به آنان اجازه می‌دهد وارد جنگ شده و در برابر دشمن از خود دفاع کنند.



در جایی دیگر می‌فرماید: **وَ قاتلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِلينَ. وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقْفَتُمُوهُمْ وَ أَخْرُجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوهُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ القَتْلِ وَ لَا تُقْاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّى يُقاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزاءُ الْكَافِرِينَ. فَإِنْ انتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. وَ قاتلُوهُمْ حَتّى لا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انتَهُوا فَلَا عُدُوانَ إِلا عَلَى الظَّالِمِينَ؛** در راه خدا با کسانی که با شما پیکار می‌کنند پیکار کنید و تعدی مکنید که خداوند تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد؛ و آنان را هر کجا که یافتید بکشید، و (از شهر و دیار خود) بیرونشان کنید هم چنان که آنان شما را از (شهر و دیار خود) بیرون نمودند؛ که فتنه انگیزی (که آنان می‌کنند) سخت تر از قتل است،

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَانِيْكَفُور. أَذْنَ اللَّهِ عَلَى يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْلَا دَفْعَ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بَعْضًا لَهُدِمَتْ صَوَامِعُ وَ بَيْعَ وَ صَلَواتٍ وَ مَسَاجِدٍ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ؛(سورة حج) محققاً خداوند از آنان که ایمان آورده اند (در برابر کفار و مشرکان و شرارت هایشان) دفاع خواهد نمود؛ که خداوند خیانت کار ناسپاس را دوست نمی‌دارد. به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد؛ زیرا آنان مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، و البته خداوند بر یاری آنان قادر است؛ همان کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند. (آنها گناهی نداشتند) جز این که می‌گفتند: پروردگار ما خدا است؛ و اگر خدا بعضی از مردم را به بعض دیگر دفع نمی‌کرد، محققاً، صومعه‌ها و دیرها و کنیت‌ها و مساجدی که در آنها نام خدا بسیار برده می‌شود، ویران می‌شد، و هر کس که خدارا یاری کند مسلمان خداوند (نیز) او را یاری خواهد کرد، که خداوند نیرومند شکست ناپذیر است.

این آیات که از نخستین آیات مربوط به جهاد است که بر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده، سراپایش نشان می‌دهد که جنگ دفاعی و قصاصی را مطرح کرده است. تعابیری مثل این که می‌فرماید: «مورد حمله و جنگ قرار گرفته اند»، یا «به آنان ستم شده است»، یا «از خانه هایشان رانده و آواره شده اند» و هم چنین استفاده از واژه

یکی از کلیدواژه‌هایی که اخیراً رهبر انقلاب روی آن مدام تأکید دارند، جهاد تبیین و روشنگری است.

حضرت فرمودند: «لُوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»؛ یعنی فی نفسه از اهل بیت اطلاع پیدا کنیم و رفتار و کردار و احادیشان را تبیین کنیم تا سؤال‌ها و شباهاتی را که در ذهن‌ها ایجاد می‌شود، بتوانیم پاسخ بدھیم.

یکی دیگر از جملات رهبر انقلاب این بود که هر تلاشی جهاد نیست؛ یعنی در حوزه اهل‌بیت و هیئت ممکن است هر جلسه و هر خواندن و هر منبر و هر حرکتی در قالب هیئت جهادی تلقی نشود و از حوزه جهاد خارج باشد. حرف رهبر انقلاب این بود که هیئتی‌ها، مداعان اهل‌بیت، واعظ و دست اندکاران هیئات، امروز در این جنگ و در مواجهه حق علیه باطل، کجای کار هستند. تو کجای این جنگی، تکلیف و وظیفه‌ات چیست و کجا ایستادی؟! اینجاست که تبیین جای خود را پیدا می‌کند. اگر تبیین صورت نگیرد و یا خودت قوه تبیین و شناخت و بصیرت لازم را نداشته باشی، ممکن است قربه الی الله به جنگ الله بروی!

بعضی از آیات قرآن بسیار زیبا جای خود را پیدا می‌کند. آیه ۸۲ سوره اسراء می‌فرماید: «وَنَنْزَلْ مِنَ الْقُرْآنَ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ یک طرف زیان و خسaran و طرف دیگر، شفا و رحمت است. خداوند با توجه به عملکرد و تبیین و تفسیر و شناخت ما از قرآن، یا شفا و رحمت می‌دهد، یا دچار خسaran می‌شویم.



هیئت ما کجای جنگ امروز ایستاده؟

دیدار رهبر انقلاب با مداعان هستند. این فرمایش صحیح است؛ چون آنان بر مبنای کار سیاسی و اعتقادی رفته‌اند. کار آن‌ها جنبه سیاسی، اعتقادی، ملی و آئینی-مذهبی دارد. حرف این است که هیئت سیاست‌زده نشود، اما اینکه ریشه یک سیاست، هیئتی و مذهبی باشد، این جریان مورد قبول همه است و کسی با آن مشکل ندارد. ممکن است برخی بحث سیاست و هیئت را این گونه مطرح کنند و بگویند که هیئت بر مبنای روابط این و آن بالا و پایین می‌شود، اما ذات یک سیاست اگر مذهبی و هیئتی باشد، آن وقت آن حکومت علوی و آن نظام مهدوی می‌شود. این قضیه با این تفکیک کمی روشن می‌شود. رهبر انقلاب می‌فرمایند که این اساس و عنصر موضوع مستثنی نیست. آنچه که مورد انتقاد و مذمت است مورد اول عصمت و طهارت علیهم السلام می‌شود. این نکته اشاره کردند که خیلی از همان که امام صادق و حضرت رضا این جوانان و شهدا بچه‌های هیئت علیهم السلام فرمودند.



ضرورت است، باید انجام بگیرد. باید تحقیق پیدا کند. اینکه دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده‌ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرفاًی منطقی آن چنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، ما می‌بینیم که نه، جوانها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند. می‌فهمند. منتهی این ازدواج یک مسئولیت پذیری هم هست. این حسن‌گریز از مسئولیت، مقداری مانع می‌شود از اینکه این کار انجام شود. بعضی‌ها لباس عروس گران قیمت می‌خرند. نه! چه لزومی دارد. حالا لباس عروس می‌خواهند، بعضی‌ها لباس عروس را می‌روند کرایه می‌کنند. چه مانعی دارد؟ ننگ دارد؟ نه! چه ننگی؟ چه مانعی دارد؟ بعضی‌ها این را ننگ می‌دانند. ننگ این است که انسان یک پول گزاری بدهد، یک چیزی بخرد که یک بار آن را مصرف کند، بعد بیاندازد دور. یک بار مصرف! آنهم با این وضعی که بعضی مردم دارند.

سرافکاری و زیاده روی و... این کارها را نکنید، به مصلحت نیست. شارع مقدس هم راضی نیست. شما هم یک زحمت بیخودی به خودت می‌دهی. عوض این همه خرج کردن، یک دهمش را به یک مستحقی بده، یک عالم ثواب ببر. مگر دیوانه‌اند اینها بی که اینهمه خرج می‌کنند بدون ثواب، بدون اجر، بدون رضای الهی. حتی بدون رضای مردم. مردم همه راضی نمی‌شوند از آدم... خدا را راضی کنید.

اما کارمان مکار جاهلیّت خواهد شد. یا اگر آن چیزهایی را که اسلام بنا گذاشت در کار ازدواج، این را رعایت نکنیم، باز عقد، عقد اسلامی کامل نخواهد بود.

اگر عقد، اسلامی بود، به سبک سنتهای قرآنی و بنیان گذاری شده‌ی به وسیله‌ی اسلام، زندگی شیرین می‌شود و زن و شوهر با هم خوب زندگی می‌کنند.

جوانها وقتی صحبت می‌شود می‌گویند، اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ اینها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. فرمود: «إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءٍ يُغْنِهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»

يعنى خدای متعال اینها را کفایت خواهد کرد. ازدواج بکنید. ازدواج در وضع معیشت آنها دشواری خاصی بوجود نمی‌آورد. بلکه به عکس خداوند آنها را از فضلش غنی هم می‌کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف به جای خرج، برج درست می‌کنیم.

اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه‌ی اول تقصیر ممکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند. بعد هم تقصیر بعضی از مسئولین است، که بالاخره باید بگویند. باید وسایل را فراهم کنند، فراهم نمی‌کنند. نمی‌خواهیم بگوییم که دولتها برای جوانها و برای ازدواج‌شان وظایفی ندارند. اما این باید برای جامعه اسلامی جا بیفتند که ازدواج یک



علمدار

آسان گیری

الف - مراسم (تشریفات)

شما اگر نگاه کنید به تشریفات ازدواج در میان اقوام مختلف، خواهید دید در اسلام تشریفات ازدواج ساده است. البته جشن و سرور و اینها عیبی ندارد، هر کس هر مقداری که مایل است، اما اینها جزو دین و جزو تشریفات رسمی و دینی ازدواج نیست. هر کس خواست می‌تواند انجام بددهد، هر کس نخواست، نه. اینکه حتماً بایستی بروند در یک معبد زانو بزنند جلوی کسی و چه بکنند، و مراسمی که در جاهای دیگر وجود دارد، در اسلام نیست. در اسلام، یک صیغه‌ای است شرعی که باید خوانده شود. البته در اسلام برای معاملات گوناگون، معاملاتی که اهمیتش کمتر از ازدواج است، شاهد می‌گیرند... حالا هم که مقررات ثبت است و درج در محاکم. مراکز ثبت رسمی است و هیچ تشریفاتی ندارد؛ می‌توانند خیلی راحت و بدون تشریفات این ازدواج را انجام دهند. در ازدواج، شرع مقدس اسلام، قیود جاهلی و شرایط مرسوم بین جهال را برطرف کرد و یک سلسله حرفاً و شرایط جدید و سنتهای تازه‌ای را پایه گذاری کرد. اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام از الله کرده، دور و پاک باشد و به آن سنتهایی که اسلام بنیان گذاری کرده است آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر اسلام (صلی الله عليه و آله) و رهبر عظیم الشأن بشریت خواهد شد. اگر خدای ناکرده آن چیزهایی را که اسلام از الله کرد و ریخت بیرون، اینها را ما در عقد ازدواج بیاوریم، آن وقت عقد ما، عقد جاهلی خواهد شد. خودمان مسلمانیم، اسمنان مسلمان است

معراج

خبر دهید به آنها که ناامید شدند

چه ببرها که در این کوه ناپدید شدند
چه سروها که در آغوش من شهید
شدند

نیامدند سفر کردگان این کوچه
چه چشم های سیاهی به در سفید
شدند

در انتظار مرام رفیق های قدیم
هزار مرتبه تقویم ها جدید شدند

هنوز پنجره مان تا خروس خوان باز
است

خبر دهید به آنها که ناامید شدند

برآمدند شبی با هزار دست دعا
هزار قفل فروبسته را کلید شدند

دو واژه از دولبی را کنار هم چیدند
دو بیت ناب سروبدند و بوسعید شدند

سیاهی از همه جا رو سیاهی از همه سو
خوشابه حال شهیدان که رو سفید
شدند

«سعید بیابانکی»



روح الله

وحدت

ملت ایران در هر جا که هست، در هر شهری که هست، در هر ده و قریه ای که هست، با کمال دقت مواطن اعمال فتنه انگیزان باشد. اینها در بین اقسام آمدند و می خواهند شما و ما را باز تحت فشار و اختناق قرار دهند و ارباب های خود را بر ما مسلط کنند. ما

موعد

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد.

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند
کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد.

حق صحبت دیرین که هیچ محروم راز
بیار یک جهت حق گذار ما نرسد

هزار نقد به بازار کائنات آرند یکی به
سکه صاحب عیار ما نرسد



دریغ قافله عمر کانچنان رفتند
که گردشان به هوای دیار ما نرسد.

هزار نقش برآید ز کلک صنع و یکی
به دلپذیری نقش نگار ما نرسد.

دلا ز طعن حسودان برنج و ایمن باش
که بد به خاطر امیدوار ما نرسد.

چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را
غبار خاطری از رهگذار ما نرسد.

بسوخت (حافظ) و ترسم که شرح قصه
او به سمع پادشه کامکار ما نرسد

کوله پشتی

دیروز از هر چه بود گذشتم و امروز از هر
چه بودیم گذشتم
آنجا پشت خاکریز بودیم و اینجا در پناه
میز...

دیروز دنبال گمنامی بودیم و امروز تلاش
می کنیم ناممان گم نشود
جبهه بوی ایمان میداد و اینجا ایمانمان بو
می دهد

آنجا روی درب اطاقمان می نوشتیم : یا
حسین فرماندهی از آن توت، اینجا می
نویسیم بدون هماهنگی وارد نشوید
الهی نصیرمان باش تا بصیر گردیم
و بصیرمان کن تا از مسیر بر نگردیم
و آزادمان کن تا اسیر نگردیم .

باغ خاطره

سهم همه

دو نفر از یک لشکر؛ توفیق بزرگی بود
که نصیب من و او شده بود. دست بوسی
تمام شد. از حیاط بیت امام بیرون
نیامده بودیم که علی ایستاد. گفتم: «
چی شده؟» گفت: «به بچه های لشکر
چی بگیم؟» - خب معلومه! می گیم
نایب الزیاره همه بودیم. - نه نشد! ما
نماینده‌ی همه ایم. باید آن‌ها هم
سهمی داشته باشند. برگشت رفت و
کنار امام نشست. نفهمیدم به امام چی
گفت که امام پارچه‌ی سفیدی که روی
پاهایش انداخته بود را داد به علی.
پارچه را تکه تکه کردیم. شد صدها تکه
به هر کسی یک تکه دادیم. بیشتر بچه
های لشکر، موقع نماز خواندن عطر تن
امام را از توی جانماز هاشان حس می
کردند.

راوی: محمد خادم، همزمان شهید چیت سازیان



حرف‌های شهیدانه

رضای خدا

هدف من از شرکت در جبهه فقط رضای
خدا و لبیک گفتن به ندای

«هل من ناصر» حسین (علیه السلام)
است که از حنجره‌ی فرزند راستینش،
خمینی کبیر در می آید. «من می روم تا
اسلام زنده بماند. من رفتم تا شرف و
عّزت و ناموس ما بماند. من رفتم تا مکتب
سرخ شهادت که معلم آن حسین (علیه
السلام) است بماند. من رفتم تا وحدت
مسلمانان حفظ شود و حکومت الله
در سراسر گیتی حاکم شود.

شهید علی حیدر احمدی

روایت

روایت قلخ

روایت یکی از شاهدان عینی درگیری های فتنه‌گران در تهران، خرداد سال ۸۸

پرده اول: نمی‌دانم کسی که بدنش شدید سوخته باشد را دیده‌اید یا نه! فرد در چنین شرایطی سیستم عصبی اش به هم می‌ریزد و تشنج می‌کند. پرده دوم: خرداد ۸۸، در میدان کاج، فتنه‌گران یکی از بچه‌های بسیجی را وسط میدان این‌قدر کتک زدند تا بی حال شد. روی او بنزین ریختند و زنده زنده او را آتش زدند.

با هر چیزی که دم دست گیر آوردم زدیم وسط جمعیت و بدن نیمه جان آن بندۀ خدا را کشیدیم بیرون. برای این‌که نتوانیم نجاتش بدھیم، کلی پاره آجر و قلوه سنگ به سمت ما پرت کردند ولی بالاخره با دادن چند زخمی، به او رسیدیم.

پرده سوم: در پیاده رو، بی‌هوش افتاده بود. بوی خون و لباس و گوشت نیم سوخته‌اش بلند بود. هر چند دقیقه یک بار به هوش می‌آمد، تشنج می‌کرد می‌گفت: «دیدید چی شد؟ خانوم حضرت زهرا (س) نجاتم داد...» و دوباره از حال می‌رفت.



حال، حال دیگری بود. هر کسی برای خودش گوشی دنجی پیدا می‌کرد و با خدای خودش حال می‌کرد. ای حال می‌کرد! جلو در اورژانس یک نفر نشسته بود. چه راز و نیازی می‌کرد؛ باید می‌دید. گوش‌هایم را تیز کردم. می‌گفت: «خدایا! از این که مرا آفریدی مرسی! دستت درد نکند. شاهکار کردي به خدا. خدا! خیلی مرسی. شرمنده‌ام کردي به خدا! مرسی!»

«ولَكُنْ يُؤْخُذُ مِنْ هَذَا ضُغْثُ فَيُمْزَجَان» باطل و حق را آمیخته می‌کنند. نتیجه آن می‌شود که «بِسْتُولِي الشَّيْطَانُ عَلَى أُولَيَائِهِ» حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. خاصیت فتنه شبیه است و میوه شبه تردید است و نتیجه تردید توقف است و لازمه توقف در یک حرکت اجتماعی عقب‌گرد است. چه چیزی فتنه را خنثی می‌کند؟ بصیرت. در ماجراهی دفاع از دین از همه بیشتر برای انسان بصیرت لازم است. بصیرت قبله‌نما و قطب‌نماست. اگر قطب‌نما نبود یک وقتی شما می‌بینید بی ساز و برگ در محاصره دشمن قرار گرفته اید. ایراد بسیاری از کسانی که در لغزشگاه‌های بی‌بصیرت لغزیدند و سرنگون شدند این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است در این‌جا عواملی وجود دارد یکی نبود عزم و اراده است، بعضی‌ها حقایق را می‌دانند اما برای اقدام تصمیم‌گیری نمی‌کنند. عامل اصلی این‌ها غفلت از ذکر پروردگار است. این بصیرت چگونه حاصل می‌شود؟ برای گذشتن از خود، همین یک کلمه آسان اما در عمل آن‌قدر مشکل که اکثر انسان‌ها در همین دو قدم یک کلمه، درجا زده و مانده‌اند. آنچه که بصیرت و بینش انسان را در زیرغبار تبلیغات جنجال آمیز دشمنان تضمین و حفظ می‌کند دل مؤمن پاک و نورانی است.

لبخند بزن رزمنده

خدایا مرسی

قبل از غروب آفتاب رسیدیم مهران، خسته و کوفته، با سرو وضعی آشفته. صحنه‌ای را دیدم که هرگز از یادم نمی‌رود. حتی می‌دانید که گاهی قبل از غروب آفتاب، حال عجیبی به آدم دست می‌دهد. در منطقه این

دیدبان

علی(ع) در فتنه‌ها

«وَاحْكَامٌ تُبَتَّدَعُ» وقتی مقرراتی بدون اتکاء به مبانی و اصول دین در جامعه وضع شد فتنه‌ها شروع می‌شود. «يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ» در این خطوطی که از روی هوس در جامعه به وجود می‌آید

در نهج البلاغه روی چند نکته خیلی تکیه شده است که یکی از آن‌ها فتنه است. فتنه خطوط روش را از مقابل چشم بسیاری از انسان‌هایی که دید کوتاه‌بینی دارند پاک می‌کند. منشاء فتنه‌ها را علی(ع) بیان می‌کند: «إِنَّمَا بَدْءَ وُقُوعَ الْفَتَنَ أَهْوَاءً تُتَّبَعُ» سرآغاز پیدایش فتنه‌ها هوس‌ها و هواهایی هستند که اطاعت می‌شوند. «وَاحْكَامٌ تُبَتَّدَعُ» وقتی مقرراتی بدون اتکاء به مبانی و اصول دین در جامعه وضع شد فتنه‌ها شروع می‌شود. «يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ» در این خطوطی که از روی هوس در جامعه به وجود می‌آید، کتاب خدا مورد مخالفت قرار می‌گیرد. «وَيَتَوَلَّ إِلَيْهَا رِجَالٌ رَجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ» مقررات به شیوه‌ای درست می‌شود که انسان‌هایی بدون آن که صلاحیت‌های لازم در آن‌ها جمع باشد، بر مردمان ولایت و حکومت پیدا نکنند. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

سید مهدی آهنچیان (همدان) معاون گردان مالک اشتر از تیپ ۲۷ حضرت سهاد، سه ما

۱۳۶۶/۰۸/۲۹ : رژه یکصد هزار نفری
برادران بسیج استان همدان در برابر
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ریاست
جمهوری وقت) در محل دانشگاه بوعلی
سینا همدان

۱۲/۰۸/۱۳۶۶: سالگرد عملیات قمیش (غار)
در منطقه ماووت توسط رزمندگان لشگر ۳۲
انصارالحسین (ع) (مقدمه عملیات نصر ۸)

۱۴/۰۸/۱۳۶۲: حمله موشکی دشمن به شهر مقاوم نهادن و شهادت گروه کثیری از مردم بی گناه در کوچه میری

.....
۱۴/۰۸/۱۳۵۹: شهادت شهید اکبر فرجیان
زاده (همدان) مسئول محور و فرمانده
عملیات سپاه ایلام

.....
۲۲ / ۰۸ / ۱۳۶۰ : تک دشمن به ارتفاع کوره
موش و مقاومت رزمندگان استان همدان در
مقابل دشمن

فاقت

سایت چهار دیپلمات www.4diplomats.ir

تیرماه ۱۳۸۵ همزمان با بیست و چهارمین سالگرد اسارت چهار دیپلمات ایرانی "سید محسن موسوی"، "کاظم اخوان"، "تقی رستگار مقدم" و "احمد متولیان" به منظور هر چه بہتر شناسندن چهار عزیز مظلوم که ۱۴ تیرماه سال ۱۳۶۱ در پست بازرگانی "برباره" در شمال بیروت لبنان به اسارت مزدوران رژیم صهیونیستی - فالانژها درآمدند، از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس؛ "دیر خانه دائمی، نادره، نشان‌ها" راه اندازی شد.

دروز ۱۷ مرداد ۱۳۸۵ مصادف با میلاد مسعود حضرت علی(ع) و همزمان با سالروز شهادت "محمود صارمی" و روز خبرنگار؛ سایت اینترنتی "چهار دیپلمات" جهت ارائه آخرین اخبار و گزارش‌ها و همچنین در دسترس قرار دادن آثار و متون موجود درباره چهار دیپلمات، در شبکه ارتباطات جهانی قرار گرفت.

این دبیرخانه آماده پذیرش هر گونه همکاری در زمینه های خبری، هنری و... در زمینه های فوق می باشد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی غفاری / مدیر اجرایی: امیر حسین منطقی /
طراح و صفحه بندی: نرگس طاوه ئی / زیر نظر هیات تحریریه / باتشکر از: اکرم رسولی ،
سید بصیر مصطفوی. تلفکس: ۰۸۱۳۴۲۲۱۱۹ / سامانه پیامک: ۳۰۰۰۶۴۹۹۹۹۹۹ /
آیمیل: www.hamadankhabar.ir/fa / modafean.h@gmail.com ;

پردهٔ چهارم: بالاخره ماشین پیدا شد و او را به سمت بیمارستان‌های شهرک غرب بردند. می‌گفتند او را چند بیمارستان بردیم ولی زمانی که میدیدند هم حزبی شان نیست و پارچه سبز ندارد، پذیرش نمی‌کردند و او مظلومانه، داشت بال بال میزد. بالاخره جایی پذیرش شده بود و به کوری چشم فتنه‌گرها زنده ماند.

پردهٔ پنجم: فردای آن روز، فتنه‌گران از لحظهٔ حملهٔ بچه‌ها برای نجات جان آن بندۀ خدا فیلم منتشر کردند: «حملهٔ لاس، شخصه‌ها به مدم!»

۲

لشگر ۳۲ انصارالحسین (ع) رزمندگان گردانهای ۱۵۴-۱۵۲-۱۵۷ گیری ارتفاع برده هوش (ماووت) توسط سالگرد عملیات باز پس / ۰۸ / ۱۳۶۶ :

۱۳۵۷ / ۰۸ / ۰۵ : شهادت تعدادی از مردم انقلابی شهر کبودآهنگ در راهپیمایی بر علیه رژیم منحوس پهلوی

.....
۱۳۶۵ / ۰۸ / ۰۸ : بمباران مقر لشگر
انصارالحسین (ع) در گتوند (شوشتار -
دزفول) و شهادت تعدادی از رزمندگان

به جبهه های نبرد حق علیه باطل
۱۳۶۳ / ۰۸ / ۱۰ : ارسال کمکهای مردمی

۱۳۶۱/۰۸/۱۰ : سالگرد عملیات محرم و
شرکت فعالانه رزمندگان تیپ سوم
زرهی شهید قهرمان در این عملیات در
محور پیچ انگیزه

۱۱/۰۸/۱۳۶۴: اعزام یک تیپ از اعضای بسیج استان همدان در قالب راهیان ک بالا